

بررسی اجرای مالیات بر ارزش افزوده در ایران

تاریخ دریافت: ۹۹/۴/۱

تاریخ پذیرش: ۹۹/۵/۲۹

رسول بهروزی^۱

چکیده:

در این پژوهش به بررسی مالیات بر ارزش افزوده پرداخته شده است. این تحقیق پیمایشی است که ابزار اصلی جمع‌آوری اطلاعات در آنها پرسشنامه است جامعه آماری عبارتند از حسابداران، روسای حسابداری، مدیران مالی، کارشناسان ارشد مالیاتی، روسای گروه مالیاتی، روسای اداره مالیاتی، تعداد اعضای جامعه آماری تحقیق به دلیل عدم دسترسی به کلیه اعضای جامعه آماری نامحدود است. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران تعیین می‌شود. روش نمونه‌گیری نیز با استفاده از روش نمونه‌گیری غیر تصادفی انجام خواهد شد. تعداد نمونه آماری بر اساس جدول مورگان برابر ۲۰۵ نفر انتخاب شده است. با استفاده از نرم افزار Ewiev۵ تجزیه و تحلیل فرضیات انجام خواهد شد. نتایج نشان داد استقرار نظام مالیات بر ارزش افزوده باعث ارائه منصفانه صورتهای مالی می‌شود. و همچنین استقرار نظام مالیات بر ارزش افزوده باعث برقراری عدالت مالیاتی در جامعه می‌شود.

واژه‌های کلیدی: مالیات، ارزش افزوده، عدالت مالیاتی

۱. کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر، بوشهر، ایران.

مقدمه

مالیات بر ارزش افزوده که با نام VAT شناخته می‌شود، مالیاتی است عام که در چند سال اخیر توسط دولت وضع شده و از فعالان کسب و کار (شخصیت‌های حقوقی و حقیقی) از مرحله تولید تا توزیع، اخذ می‌شود. وقتی یک پیراهن تولید می‌شود تا به دست مصرف کننده برسد، ده ها خدمت روی آن انجام می‌شود و باید مالیات آن‌ها جداگانه پرداخت شود. مالیات بر ارزش افزوده به سه دسته مصرفی، درآمدی و تولیدی تقسیم‌بندی می‌شود و مشمولان، باید نسبت به پرداخت مالیات و عوارض در موعد مقرر اقدام تا مشمول جرائم نشوند. در اقتصادهای پیشرفته، هر فردی چه حقیقی و چه حقوقی، مصرف بیش‌تری دارد، مالیات بیش‌تری پرداخت می‌کند و هر فردی، تولید بیش‌تر دارد، مالیات کم‌تری پرداخت می‌کند. این ادبیات اقتصاد توسعه محور بوده و به نظر می‌رسد ایران در عصر اقتصاد مقاومتی، می‌بایست در این مسیر گام بردارد و سیاست‌های مالیاتی و زیرساخت‌های فناورانه تحقق درآمدهای مالیاتی را شفاف‌تر کند (شفیعی و همکاران، ۱۳۹۹). مالیات‌ها، قیمت یا بهای خدمات دولت است که مردم می‌پردازند و دولت‌ها برای انجام وظایف خود نیازمند منابع درآمدی هستند. در اغلب کشورها، مالیات‌ها مهمترین منابع درآمدی دولت هستند. در کشور ما از دیرباز مالیات‌ها سهم کمی از درآمدهای دولت را تأمین نموده‌اند. شاید مهمترین دلیل، وجود منبع درآمد سهل الوصول نفت بوده و سیستم اقتصادی کشور را به سویی هدایت کرده است که مالیات‌ها در حاشیه قرار گرفته‌اند. نظام مالیات بر ارزش افزوده یکی از انواع مالیات‌های غیرمستقیم است که به دلیل ویژگی‌های خاص آن مانند کارایی و درآمدزایی بالا ماهیت خودتنظیمی و شفافیت آن محبوبیت یافته و امروزه در ۱۶۰ کشور جهان در حال اجراست و مزیت‌های رقابتی بسیاری برای نظام‌های اقتصادی در پی داشته است. با توجه به اینکه مالیات بر ارزش افزوده (۱) درآمد مالیاتی مستمری را برای دولت به وجود می‌آورد، (۲) منجر به شفاف شدن جریان مبادلات اقتصادی و کاهش حجم اقتصاد زیر زمینی می‌گردد و (۳) در مقایسه با سایر مالیات‌ها آثار سوء تخصیصی کمتری دارد، انتظار می‌رود که قانون مالیات بر ارزش افزوده به طور کامل اجرا شود و موانعی که پیش روی آن وجود دارد، به تدریج و با ایجاد اعتماد میان مودیان مرتفع شود. یکی مهمترین مشکلاتی که به نظر می‌رسد فراروی اجرای این قانون وجود داشته باشد، حساسی مالیات بر ارزش افزوده است (نقش‌بندی و میرزاپور، ۱۳۹۸).

با توجه به افزایش هزینه عمومی دولت و نوسانات در آمد نفتی طبیعی است که دولت برای جبران کسری بودجه نیاز به درآمد مالیاتی پایدار دارد. از جمله راه‌های اصلاح نظام مالیاتی کشور، بررسی وضع مالیات بر ارزش افزوده است که اجرای این قانون یکی از کارآمدترین منابع تأمین کسری بودجه دولت‌ها می‌باشد. بنابراین یکی از نگرانی‌های وزارت امور اقتصاد و دارایی و سازمان امور مالیاتی کشور اجرای کامل و صحیح این قانون است. اجرای نظام مالیات بر ارزش افزوده در بیش از ۱۵۰ کشور جهان، نشان دهنده جایگاه ویژه این نظام مالیاتی در میان دولتهاست (حبیب زاده و نوری، ۱۳۹۸).

درآمدهای مالیاتی به دلیل آنکه نوسان کمتری دارند و نیز به عنوان کم هزینه‌ترین منبع

تأمین مالی کشورها مطرح است، می‌تواند نقش گسترده‌ای در بهبود عدالت اجتماعی و جلوگیری از تشدید نابرابری‌های درآمدی از طریق توزیع مجدد آن داشته باشد. در این میان مالیات بر ارزش افزوده از آنجایی که بر مصرف و فروش تمرکز دارد براساس رکن تکافل عمومی جایگاه قابل تاملی در توسعه عدالت اجتماعی دارد. زیرا هرکس که بیشتر مصرف کند مطابق با رکن مذکور که مسئولیت و تعهد در برابر دیگران و گذشتن از منافع صرف فردی و اندیشیدن به مصالح همگانی است، باید مالیات بیشتری پرداخت نماید. از طرفی مالیات جمع آوری شده در نحوه بازتوزیع خود در سطح کشور نیز توسعه دهنده رکن دیگر عدالت اجتماعی یعنی توازن اجتماعی است، که ناظر بر ایجاد برابری و تعادل در تمام ابعاد زندگانی اجتماعی برای تمام افراد و اقشار جامعه می‌باشد (ایزدپناه و رستمی، ۱۳۹۸). با توجه به مطالب بیان شده بالا در این تحقیق به بررسی مالیات بر ارزش افزوده می‌پردازیم.

مبانی نظری

در اکثر کشورها، اخذ مالیات یکی از مهمترین و با ثبات‌ترین منابع کسب درآمد برای دولت‌ها می‌باشد. در بین انواع مالیات‌های موجود نیز یکی از بهترین روشهای اخذ مالیات، مالیات بر ارزش افزوده است. مالیات بر ارزش افزوده یکی از انواع مالیات‌های غیر مستقیم بوده و به عنوان یکی از روشهای جدید دریافت مالیات جایگاه ویژه‌ای در اقتصاد کشورها ایفا می‌کند. این تحقیق به دنبال آن است که مالیات بر ارزش افزوده و مشکلات آن در ایران را با توجه به شرایط کنونی اجتماعی و اقتصادی مورد بررسی قرار دهد. نتایج حاصل از این تحقیق حاکی از آن است که مالیات بر ارزش افزوده و یا اصولاً هر گونه مالیاتی، سبب افزایش درآمدهای دولت شده ولذا می‌تواند موجبات گسترش بودجه و هزینه‌های دولت را فراهم سازد، بنابراین از آنجا که گسترش هزینه‌های دولت می‌تواند بطور بالقوه تورم‌زا باشد، استقرار نظام مالیاتی فوق می‌تواند موجبات افزایش سطح عمومی قیمت‌ها را فراهم آورد (قنبری و همکاران، ۱۳۹۸).

سیاستگذاران به دنبال یافتن راهکاری برای اصلاح مالیاتی به مالیات بر ارزش افزوده به عنوان گزینه مناسب تجدید ساختار نظام مالیاتی می‌نگرند. ضرورت استقرار یک نظام مالیاتی خاص از جمله مفاهیمی است که قبل از طراحی یا تجدید ساختار یک نظام مالیاتی مفهوم می‌یابد. مفهوم ارزش افزوده در اقتصاد کلان ریشه دارد، جهت ارزش افزوده تعاریف و مفاهیم مختلفی ارائه شده است که از جمله این تعاریف می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

ارزش افزوده ارزشی است که یک واحد تولیدی ایجاد کرده و یا به ارزشهای تولید شده توسط تولید کنندگان دیگر افزوده است (عباسی صدراله، ۱۳۸۰).

ارزش افزوده ثروت ایجاد شده توسط یک شرکت طی یک دوره مالی است و صورت ارزش افزوده نحوه ایجاد این ثروت و سهم هر یک از گروه‌های ذینفع در آن را نشان می‌دهد.

ارزش افزوده نشان دهنده جمع بازده حاصله موسسه توسط سرمایه گذاران به علاوه کارمندان و دولت می‌باشد (میک و همکاران، ۱۹۸۸).

پیشینه تحقیق

نقش‌بندی و میرزاپور، (۱۳۹۸) در تحقیقی تحت عنوان «حسابرسی مالیات بر ارزش افزوده» به بررسی پرداختند. آن‌ها بیان کردند که یکی مهمترین مشکلاتی که به نظر می‌رسد فراروی اجرای این قانون وجود داشته باشد، حسابرسی مالیات بر ارزش افزوده است. به منظور شفاف سازی هر چه بیشتر مبادلات اقتصادی و کاهش فرار مالیاتی و جلوگیری از سوءنیت برخی از مودیان مالیاتی وجود یک نظام کنترل و حسابرسی دقیق برای ایفای مسئولیت پاسخگویی مودیان این نظام مالیاتی ضروری خواهد بود. هدف مقاله حاضر بررسی نقش و اهمیت حسابرسی در اجرای مالیات بر ارزش افزوده در ایران می‌باشد. وجود یک نظام حسابداری و حسابرسی مناسب به عنوان شرط لازم برای اجرای موفقیت‌آمیز مالیات بر ارزش افزوده در کشور تلقی می‌شود.

هدایتی (۱۳۹۷) در تحقیقی تحت عنوان «الگوی پیش‌بینی درآمد مالیات بر ارزش افزوده در ایران بر اساس اطلاعات بودجه خانوار» به بررسی پرداختند. هدف اصلی این مقاله بررسی دهک‌های مختلف هزینه‌ای در وصول مالیات بر ارزش افزوده در ایران طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۹۴ و سپس ارائه الگویی برای سالهای بعد است. از این رو، با توجه به ویژگی‌های مالیات بر ارزش افزوده در حال اجرا در ایران برای پیش‌بینی میزان مالیات بر ارزش افزوده در ایران از روشی دو مرحله‌ای و مبتنی بر اطلاعات بودجه خانوار استفاده شده است. بدین منظور ابتدا با استفاده از سیستم تقاضای تقریباً ایده آل و روش داده‌های تابلویی، مخارج پولی صرف شده روی گروه‌های کالبی مشمول مالیات بر ارزش افزوده در هر دهک ۱۳۸۰-۱۳۸۹ با استفاده از روش رگرسیون (معادلات) ظاهراً نامرتبط (SUR) برآورد و سپس برای سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۹۴ پیش‌بینی شده است. پس از برآورد الگوی مذکور و به دست آوردن مخارج مصرفی خانوار برای گروه‌های کالایی مختلف و پیش‌بینی آن براساس تغییرات قیمتی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۹۴، مالیات بر ارزش افزوده قابل وصول در این سالها با تبیین نرخ‌های مالیاتی، پیش‌بینی شده است. نتایج بیانگر این است که متوسط سهم سه دهک پردآمد جامعه از مخارج کل چیزی در حدود ۶۰ درصد و متوسط سهم سه دهک پایین جامعه از مخارج کل ۱۰ درصد می‌باشد. متوسط سهم مالیاتی سه دهک پردرآمد جامعه ۸۰ درصد و سه دهک پایین جامعه کمتر از ۵ درصد است. در واقع سهم عمده درآمد خانوارهای کم درآمد صرف کالاهای معاف و ضروری مانند خوراکی و آشامیدنی‌ها، آب و برق و سوخت و ... شده بنابراین سهم کمتری در پرداخت مالیات دارند و خانوارهای پردرآمد جامعه بیشتر از کالاهای لوکس مانند خدمات گردشگری و رستوران، اثاث منزل، پوشاک، حمل و نقل هوایی و ... و سهم بیشتری در پرداخت مالیات دارند.

آلن تیت (۲۰۱۵) در بررسی جامع در خصوص کشورهایی که مالیات بر ارزش افزوده را اعمال نموده‌اند، تغییرات شاخص بها کالا و خدمات مصرفی و همچنین اعتبارات و دستمزد را در ۸۵ کشور قبل و بعد از اجرای مالیات بر ارزش افزوده مورد بررسی قرار داده است. در ۱۱ کشور پس از اجرای مالیات بر ارزش افزوده تغییری در نرخ تورم مشاهده نشده و یا ناچیز بوده است. مارپای (۱۹۹۱) به بررسی تأثیر مالیات بر ارزش افزوده بر جریان وجوه نقد شرکت‌ها پرداخت.

نتایج نشان داد که پذیرش مالیات بر ارزش افزوده در ایلات متحده باعث ایجاد تغییرات با اهمیتی در جریان نقدی می‌شود.

روش پژوهش

این تحقیق پیمایشی است که ابزار اصلی جمع آوری اطلاعات در آنها پرسشنامه است. برای آزمون فرضیات تحقیق ابتدا ارزش افزوده ایجاد شده در شرکت‌ها با استفاده از روش جمع و با پیروی از الگوی زیر محاسبه می‌گردد:

هزینه‌های مالی + مالیات + سود خالص پس از مالیات + هزینه پرسنلی + استهلاک
یعنی برای ارائه صورت ارزش افزوده از روش پایین به بالا استفاده شده است.
پس از محاسبه ارزش افزوده، میزان مالیات بر آن با استفاده از روش تجمعی مستقیم اضافه می‌شود.
جامعه آماری عبارتند از حسابداران، روسای حسابداری، مدیران مالی، کارشناسان ارشد مالیاتی، روسای گروه مالیاتی، روسای اداره مالیاتی.
تعداد اعضای جامعه آماری تحقیق به دلیل عدم دسترسی به کلیه اعضای جامعه آماری نامحدود است.

حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران تعیین می‌شود. روش نمونه‌گیری نیز با استفاده از روش نمونه‌گیری غیرتصادفی انجام خواهد شد. تعداد نمونه آماری بر اساس جدول مورگان برابر ۲۰۵ نفر انتخاب شده است. با استفاده از نرم افزار Ewiev تجزیه و تحلیل فرضیات انجام خواهد شد.

فرمول (۱)

$$n \geq \frac{NZ^2 \frac{1}{2} \times p(1-p)}{\epsilon^2 (N-1) + Z^2 \frac{1}{2} p(1-p)}$$

N: حجم نمونه

P: نسبت موفقیت در جامعه آماری

p-1: نسبت عدم موفقیت در جامعه آماری

ε: دقت خطای برآورد نمونه

Z: مقدار استاندارد شده توزیع نرمال

فرضیه تحقیق

استقرار نظام مالیات بر ارزش افزوده باعث ارائه منصفانه صورتهای مالی می‌شود.
استقرار نظام مالیات بر ارزش افزوده باعث برقراری عدالت مالیاتی در جامعه می‌شود.

نتایج آزمون فرضیه‌ها

جدول (۱) نتایج آزمون f لیمر

مدل	فرضیه	آماره لیمر	(حداقل سطح معناداری) prob
پانل	فرضیه اول	۱۹,۶۴۴	۰,۰۰۰۰۰
پانل	فرضیه دوم	۸,۹۹۰	۰,۰۰۰۰

با توجه به نتایج جدول (۱) مشاهده می‌شود که مقدار حد اقل سطح معناداری در دو مدل برابر است با ۰,۰۰۰ که این مقادیر کمتر از ۰,۰۵ است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که هر دو مدل پژوهش پانل می‌باشد.

برای این منظور، از آزمون هاسمن استفاده می‌شود. فرض صفر و مقابل در این آزمون به شکل زیر می‌باشد.

H0: اثرات تصادفی هستند.

H1: اثرات ثابت هستند.

جدول (۲) نتایج آزمون هاسمن

مدل	فرضیه	Chi-Sq. Statistic	.Prob	نتیجه
اثرات ثابت	فرضیه اول	۱,۴۸۲۳	۰,۰۰۲۰	رد فرض صفر
اثرات ثابت	فرضیه دوم	۱۶,۹۸۸۷	۰,۰۰۱۹	رد فرض صفر

با توجه به نتایج ارائه شده در جدول (۲) مشاهده می‌شود که مقدار حد اقل سطح معناداری در هر دو مدل کمتر از ۰,۰۵ است و می‌توان نتیجه گرفت که هر دو مدل اثرات ثابت است. جهت انجام آزمون فرضیات با مدل‌های رگرسیونی لازم است که ابتدا با استفاده از آزمونهای تشخیصی مفروضات رگرسیون بررسی و مورد آزمون قرار گیرند.

جدول (۳) آزمون فرضیات پژوهش

متغیر وابسته	متغیر مستقل	ضریب	آماره t	سطح معناداری	آماره f	سطح معناداری	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	دوربین- واتسون	نتیجه آزمون
مالیات بر ارزش افزوده	صورت‌های مالیاتی	۰,۰۵۱۲	۲,۱۴۸۷	۰,۰۳۲۲	۱۷,۷۸۷	۰,۰۰۰۰	۰,۸۲۰	۰,۷۷۴	۱,۹۵۱۱	رد فرض صفر
	عدالت مالیاتی	-۰,۰۰۱۳	-۴,۶۷۴۳	۰,۰۰۰۰						رد فرض صفر

با توجه به نتایج ارائه شده در جدول (۲) درمورد فرضیات پژوهش آماره f برابر با ۱۷,۷۸۷ و مقدار $prob$ برابر با ۰,۰۰۰۰ است و این نشان دهنده معناداری مدل آماری می باشد. مقدار دوربین واتسن برابر است با ۱,۹۵۱۱ که بین ۱,۵ و ۲,۵ است و نمایان گر عدم وجود خود همبستگی در مدل خواهد بود. بنابراین، این گونه نتیجه گیری می شود که در این مدل ها خود همبستگی وجود ندارد.

در مورد فرضیه اول که ارتباط بین استقرار نظام مالیات بر ارزش افزوده باعث ارائه منصفانه صورتهای مالی را بررسی می کند، مشاهده می شود که آماره آزمون t برابر است با ۲,۱۴۸۷ و مقدار معناداری برابر است با ۰,۰۳۲۲ و این مقدار کمتر از ۰,۰۵ است. بنابر این نتیجه می گیریم که در سطح ۹۵ درصد استقرار نظام مالیات بر ارزش افزوده باعث ارائه منصفانه صورتهای مالی رابطه معناداری وجود دارد و با توجه به علامت مثبت ضریب این متغیر این رابطه مثبت می باشد. با اطمینان ۹۵ درصد می توان گفت که استقرار نظام مالیات بر ارزش افزوده می تواند باعث ارائه منصفانه صورتهای مالی شود.

در مورد فرضیه دوم مشاهده می شود که آماره آزمون t برابر است با ۴,۶۷۴۳- و مقدار معناداری برابر است با ۰,۰۰۰ و این مقدار کمتر از ۰,۰۵ است. بنابر این نتیجه می گیریم که بین استقرار نظام مالیات بر ارزش افزوده باعث برقراری عدالت مالیاتی رابطه و معناداری وجود دارد. که با توجه به علامت منفی ضریب این متغیر، این رابطه منفی است. با اطمینان می توان ادعا نمود که استقرار نظام مالیات بر ارزش افزوده می تواند باعث برقراری عدالت مالیاتی در جامعه شود.

نتیجه گیری، پیشنهادات، محدودیت ها

سالهاسست که بحث مالیات بر ارزش افزوده در محافل اقتصادی ایران مطرح است و همواره هدف از استقرار این نظام افزایش درآمدهای مالیاتی، کاهش اتکای دولت به منبع درآمدی حاصل از نفت، کاهش کسری بودجه و یافتن یک منبع درآمدی با ثبات عنوان شده است. از آنجا که همواره از نظام مالیات بر ارزش افزوده به عنوان یک نظام مترقی با مشارکت بیشتر شهروندان یاد می شود، لذا یکی از عوامل مهمی که می تواند در اجرای موفقیت آمیز این نظام نقش موثری داشته باشد و تحقق اهداف مورد نظر را مسر نماید، میزان آمادگی کارشناسان مالی به عنوان محاسبه کنندگان و پرداخت کنندگان و عملی نظام مربوطه است. به دنبال بررسی ضرورت استقرار نظام مالیات بر ارزش افزوده در ایران فرضیه اول تحقیق با هدف بررسی وجود تستر و ملزومات اجرایی کافی جهت استقرار این نظام از جنبه میزان آمادگی کارشناسان مالی برای پذیرش مالیات بر ارزش افزوده طراحی شد تا آزمون نماید آیا این نظام باعث ارائه صورتهای مالی می شود. نتایج بیانگر آن است که از دیدگاه کارشناسان مالی استقرار نظام مالیات بر ارزش افزوده باعث ارائه منصفانه صورتهای مالی می شود.

از آنجا که برقراری عدالت مالیاتی از ویژگی های مهم یک نظام مالیاتی مطلوب محسوب می شود، لذا قبل از استقرار یک نظام مالیاتی جید باید از عادلانه بودن آن از نظر تحمیل مساوی

بار مالیاتی برحسب توان مودیان، اطمینان معقولی حاصل کرد. نظام مالیات بر ارزش افزوده نیز در صورتی می‌تواند یک نظام مالیاتی کارا محسوب شود که اجرای آن به برقراری عدالت مالیاتی در جامعه بیانجامد. این امر باعث افزایش رفاه شهروندان و در نتیجه مشارکت بیشتر آنها در اجرای موفقیت‌آمیز این نظام خواهد بود. در این تحقیق به دنبال بررسی استقرار نظام مالیات بر ارزش افزوده در ایران طراحی و آزمون سده است. نتایج حاکی از آن است که از دیدگاه کارشناسان مالیاتی استقرار نظام مالیات بر ارزش افزوده باعث برقراری عدالت مالیاتی در جامعه می‌شود.

پیشنهادهات

اگرچه مفهوم مالیات بر ارزش افزوده در ایران از نظر تئوری مفهوم جدیدی نمی‌باشد اما هنوز بسیار اندکند افرادی که درباره این نظام مالیاتی اطلاعات لازم و کافی دارند. حال که قرار است با استقرار یک نظام مالیات بر ارزش افزوده در اقتصاد ایران و باهدف کارآتر کردن نظام مالیاتی کشور، به سوی یک اقتصاد رشد یافته و افزایش رفاه شهروندان گام برداریم، بهتر است به گونه‌ای برنامه‌ریزی کنیم که مجبور نشویم همین درآمدهای اندک مالیاتی را صرف اجرای نظامی کنیم که هنوز شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه آمادگی پذیرش آن را ندارد. گسترش فرهنگ پرداخت مالیات از طریق ارائه جلسات آموزشی، همایش‌ها و حتی آموزش از طریق رسانه‌های گروهی می‌تواند احتمال اجرای موفقیت‌آمیز نظام مالیات بر ارزش افزوده را که یک طرح ملی است افزایش دهد.

محدودیت‌های تحقیق

عدم وجود یک آیین‌نامه اجرایی شفاف در خصوص ماهیت اقلامی که مشمول مالیات بر ارزش افزوده نمی‌شوند و نحوه برخورد با آنها به دلیل عدم وجود یک تجربه عملی در اجرای مالیات بر ارزش افزوده.

فقدان یک استاندارد پذیرفته شده در زمینه نحوه بهینه صورت ارزش افزوده اقتصادی و بنابراین احتمال تفاوت محاسبه ارزش افزوده نسبت به تحقیقات مشابه

فهرست منابع

الف- منابع فارسی

۱. ایزدپناه، سجاد؛ رستمی، رضا (۱۳۹۸) بررسی نقش و جایگاه مالیات بر ارزش افزوده در توسعه عدالت اجتماعی در ایران، مدیریت دولتی گرایش مدیریت سیستمهای اطلاعاتی، کارشناس اداره کل امور مالیاتی خراسان شمالی
۲. پورقنبری، فرشته؛ لطف الهی، نجمه؛ روحی، ساناز (۱۳۹۸) مالیات بر ارزش افزوده و مشکلات اجرایی آن در ایران، دانشگاه علمی کاربردی بیرجند مدرس دانشکده فنی و حرفه‌ای دختران بیرجند
۳. حبیب زاده، سیدشهرام؛ نوری، روزبه (۱۳۹۸) بررسی عوامل تعیین کننده مالیات بر ارزش افزوده در ایران (۱۳۹۸)، گروه اقتصاد، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران
۴. شفيعی، محمد حسين؛ اسماعیلی، خسرو؛ هاشمی آزاد، هدی (۱۳۹۹) مالیات بر ارزش افزوده، حقوق عمومی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا

۵. عباسی، صدراله؛ (۱۳۸۰) علل عدم اتکا بانکهای تجاری به صورتهای مالی واحدهای اقتصادی در اعطای تسهیلات؛ پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته حسابداری؛ دانشگاه علامه طباطبائی دانشکده حسابداری و مدیریت؛ تیرماه ۱۳۸۰
۶. نقش بندی، نادر؛ میرزاپور، مجتبی (۱۳۹۸) حسابرسی مالیات بر ارزش افزوده: چالش ها، موانع، راهکارها و تجارب جهانی مرتبط، موسسه آموزش عالی حکیم نظامی قوچان
۷. هدایتی، صادق (۱۳۹۷) الگوی پیش بینی درآمد مالیات بر ارزش افزوده در ایران بر اساس اطلاعات بودجه خانوار، علوم اقتصادی دانشگاه پیام نور

ب- منابع انگلیسی

1. Arora, A. (1996). Testing for complementarities in reduced-form regressions: A note. *Economics Letters*, 50, 51–55.
2. Baginski, S., & Hassell, J. (1997). Determinants of management forecast precision. *The Accounting Review*, 72, 303–312.
3. Baginski, S., Conrad, E., & Hassell, J. (1993). The effects of management forecast precision on equity pricing and on the assessment of earnings uncertainty. *The Accounting Review*, 68, 913–927.
4. Ball, R., Jayaraman, S., & Shivakumar, L. (2012). Audited financial reporting and voluntary disclosure as complements: A test of the confirmation hypothesis. *Journal of Accounting and Economics*, 53, 136–166.
5. Barger, L., Schingemann, F., Stulz, R., & Zutter, C. (2008). Why do private acquirers pay so little compared to public acquirers. *Journal of Financial Economics*, 89, 375–390.
6. Bebchuk, L., & Cohen, A. (2005). The costs of entrenched boards. *Journal of Financial Economics*, 78, 409–433.
7. Berle, A., & Means, G. (1991). *The modern corporation and private property*. New Brunswick, NJ: Transaction Publishers.
9. Meek, Gray K. and Sidney J. Gray; 'The value Added statement: An Innovation for U.S. Companies. *Accounting Horizons*, June 1988